

عمه سادات! بسیجیان روح‌الله هستند

۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۰:۳۹

فلسفه وجود انسان‌هایی به نام بسیجی این است که دیگر کربلا تکرار نشود و نقض غرض است اگر بسیجی باشد و حرم اهل بیت(ع) در امان نباشد.

به گزارش جوان و تاریخ، وبلاگ تنها نوشته آورده است: گمان نمی‌کردیم تقویم بنگارد روزی را که حرم در محاصره اصحاب یزید باشد و بسیجیان در کناره میدان نظاره‌گر؛ فلسفه وجود انسان‌هایی به نام بسیجی این است که دیگر کربلا تکرار نشود و نقض غرض است اگر بسیجی باشد و حرم اهل بیت در امان نباشد.

اما ما باید بمانیم؛ ما باید بمانیم تا امام تنها نماند؛ تا خیل سازشگران کام‌اش را به زهر صلحنامه تلخ نکنند تا امام بماند؛ ما باید در خانه‌ها بمانیم تا انگ تروریست نخوریم؛ تا کسی به خاطر ما تحریم نشود؛ باشد می‌مانیم.

در شهر می‌مانیم تا نان تان قطع نشود؛ تا نظاره کنیم سوختن حرم را و فقط تماشا کنیم حقوقمان از دنیای شما را اما به قبر سوخته حضرت سکینه قسم این نرفتن قلبمان را به آتش نکشید همه هستی مان را خاکستر کرد و بر باد داد.

گفتم که دوست نمی‌دارم حدیث نفس کنم بیش تر خواستم روضه بخوانم از کوچه‌ای که تنی چند هیزم برای آتش می‌آوردند و طناب؛ عده شان کم بود اما کوچه شلوغ بود؛ کوچه پر از تماشاچی بود! اگر پیامبر امر به صبر نکرده بود ... اگر ...

تیغ قلمم این بار نه جناب ظریف را نشانه رفته است، نه مذاکرات ژنو را، نه دولت اعتدال را و نه ... اینها همه تبلور ما هستند تبلور ملتی که از تاریخ درس نگرفته‌اند پس لاجرم ناگزیر به تکرار آند و چه تکرار تلخی است مکررات تاریخ.

نرمش برای امیری قهرمانانه است که پیشتر سوگند به ناجوانمردی حریف خورده است لیکن چون سرباز جنگیدن ندارد رخصت می‌دهد تا رعیت خود به نتایج مذاکره با گرگ‌ها ایمان بیاورند.

مخاطب این قلم جز صاحب‌اش نیست؛ مخاطب این قلم نه آنهایی‌اند که در سر سودایی جز نانشان ندارند؛ مخاطب این قلم بسیجیان روح‌الله‌اند که از قطعنامه می‌گیرند و ندبه می‌کنند و هر صباح عهد می‌کنند که دیگر امیر خود را تنها و غریب نخواهند گذاشت

در اوج روزه شام غربت ائمه که دل، سرگردان و حیران کوچه‌های تاریک مدینه را می‌کاوید بل هم ناله گروهی کوچک شود که به زمزمه لا اله الا الله غم غربت را به دوش خویش می‌کشند به یاد آمد که چه خوب شد قبر مادری در صفحات بی‌رنگ تاریخ گم شد.

وقتی قبر دختر مظلوم‌اش در محاصره اشقیاست و ما مدعیان نصرت و یاری و دائم الاذکار لو کنت معکم تنها در فکر قیمت پیاز و عدس و بنزینیم چه خوب شد که قبر مادرش گم شد؛ شب شهادت روزه خواندن بهانه نمی‌خواهد اما شبی که حرم حضرت سکینه را در آتش سوختند دلم هوای روزه خوانی داشت که برایم از در سوخته روزه بخواند که بخواند در پشت در ۵ مرد یا ۷ مرد یا به نقلی ۱۳ مرد آتش آوردند اما کوچه شلوغ بود.

کوچه پر از تماشاچی بود ... روزه که به اینجا می‌رسد روزه خوان طاقت ادامه دادن ندارد باقی روزه را اهل دل تاب شنیدن و روزه خوان روی گفتن ندارد فقط التماس دعا بگویم و یا علی ... از شهید گمنام مدینه التماس دعا دارم از همان دعاها که روزهای آخر برای خودش زیاد می‌خواند؛ از همان دعاها که زود استجابت شد.

روزه خوانی در حرم می‌گفت حضرت امام چون صدای رزمنده‌ها را به شعارهای کوبنده‌شان شنیدند می‌گفتند اگر ۱۰ مرد از اینها در مدینه بودند مادر ما غریب نبود.

حرف‌های برخی هایمان بوی تحجر از مسلمینی گرفته است که تصور می‌کردند می‌توانند مسلمانی کنند و دنیایشان آباد باشد حال آنکه خاکریز مقدم اسلام در کربلا فتح شود اما کاش فراموش نکنیم که چون هویت اسلام پایکوب شود در جوار حرم امن الهی نیز سه شبانه روز جان و مال و ناموس همه مردمان لگدمال خواهد شد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۴۹۷۲/بهبستند-الله-روح-بسیجیان-سادات-عمه>